

نویسنده: ریچارد هاینبرگ «Richard Heinberg» .
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2025-07-07» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



تصویر پس‌زمینه مفهومی از یک ربات هوش مصنوعی نشان داده شده است). عکس: گتی ایمیجز

آرمان‌شهر هوش مصنوعی، آخرالزمان هوش مصنوعی و واقعیت هوش مصنوعی

AI Utopia, AI Apocalypse, and AI Reality

اگر نتوانیم به تنهایی یک جامعه عادلانه و پایدار بسازیم، امید به اینکه ماشینی که نمی‌تواند درست فکر کند، و این کار را برای ما انجام دهد، بی‌معنی است

If we can't build an equitable, sustainable society on our own, it's pointless to hope that a machine that can't think straight will do it for us.

مقالات و کتاب‌های اخیر در مورد هوش مصنوعی، تصاویری از آینده ارائه می‌دهند که مانند براده‌های آهن به دور دو قطب مغناطیسی -

آرمان شهر و آخرالزمان - در یک راستا قرار می‌گیرند. از یک سو، گفته می‌شود که هوش مصنوعی ما را به سمت آینده ای بی‌نقص از آسایش، سلامت و درک گسترده‌تر هدایت می‌کند. ما، با کمک ماشین‌هایمان و مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) آنها، تقریباً همه چیز را خواهیم دانست و تمام انتخاب‌های درست را برای ایجاد یک عصر دائمی از روشنگری و فراوانی انجام خواهیم داد. از سوی دیگر، هوش مصنوعی آماده است تا ما را به آینده‌ای از بیکاری، تخریب محیط زیست و توهم سوق دهد. ماشین‌های ما منابع کمیاب را می‌بلعند، در حالی که اطلاعات نادرست تولید می‌کنند و سلاح‌های مرگباری می‌سازند که عوامل هوش مصنوعی از آنها برای نابودی ما استفاده خواهند کرد، زمانی که دیگر برای آنها فایده‌ای نداشته باشیم. آرمان شهر و آخرالزمان مدت‌هاست که تأثیرات قدرتمندی بر تخیل و رفتار انسان گذاشته‌اند. (اولین کتاب من که در سال ۱۹۸۹ منتشر و در سال ۱۹۹۵ به روزرسانی شد، خاطرات و رؤیاهای بهشت: کاوشی در افسانه جهانی عصر طلایی گذشته بود؛ این کتاب به بررسی تاریخ و معنای کهن الگوی آرمان‌شهری می‌پرداخت.) فناوری‌های جدید تمایل دارند این دو قطب جذاب را در روان جمعی ما تقویت کنند، زیرا ابزارسازی و زبان دو ابرقدرت بشریت هستند که گونه ما را قادر به تسلط بر جهان کرده‌اند، در عین حال ما را به نقطه‌ای از خطر وجودی رسانده‌اند. فناوری‌های جدید قدرت برخی افراد را بر طبیعت و سایر افراد افزایش می‌دهند و مزایایی را ایجاد می‌کنند که با پیش‌بینی ذهنی در زمان به جلو، انتظارات از آینده‌ای باشکوه را تشویق می‌کنند. اما فناوری‌های جدید همچنین هزینه‌هایی (کاهش منابع، آلودگی، افزایش نابرابری اقتصادی، تصادفات و سوءاستفاده) دارند که ترس از یک حسابرسی نهایی را برمی‌انگیزند. زبان با قادر ساختن ما به یادگیری از دیگران، استعداد ابزارسازی ما را تقویت می‌کند. همچنین وسیله‌ای برای تدوین و بیان امیدها و ترس‌های ما است. هوش مصنوعی، به دلیل اینکه هم تکنولوژیکی و هم زبانی است، و به دلیل اینکه با سرعت سرسام‌آور و بسیار مخربی در حال پذیرش است، به ویژه مستعد تحریک و واکنش آرمان‌شهر-آخرالزمان است.

پیام‌هایی در مورد نوید و خطر هوش مصنوعی اغلب توسط افراد قدرتمندی ساخته می‌شوند که به دنبال تحکیم کنترل خود بر صنعت هوش مصنوعی هستند.

ما انسان‌ها حداقل از زمان پذیرش خط، در مورد فناوری مردد بوده‌ایم. ابزارها ما را قادر می‌سازند تا آتش را از خدایان بدزدیم، مانند پرومئوس افسانه‌ای، که خدایان او را با عذاب ابدی مجازات کردند. آنها بال‌های ایکاروس هستند که بیش از حد به خورشید نزدیک می‌شود و به مرگ سقوط می‌کند. هوش مصنوعی وعده می‌دهد که فناوری را به طور مستقل هوشمند کند، بنابراین داستان عبرت‌آموز دیگری به نام «شاگرد جادوگر» را به ذهن متبادر می‌کند.

چه چیزی می‌تواند درست یا غلط پیش برود؟ پس از خلاصه کردن دیدگاه‌های آرمان‌شهری و آخرالزمانی برای هوش مصنوعی، دو سوال را بررسی خواهیم کرد: اول،

چگونه این دیدگاه‌های افراطی در تلاش‌های ما برای درک هوش مصنوعی به ما کمک می‌کنند یا ما را گمراه می‌کنند؟ و دوم، این چشم‌اندازها به چه کسانی خدمت می‌کنند؟ همانطور که خواهیم دید، نشانه‌های اولیه‌ای از محدودیت‌های نهایی هوش مصنوعی وجود دارد که آینده‌ای را نشان می‌دهد که با بسیاری از بالاترین امیدها یا عمیق‌ترین ترس‌ها برای این فناوری جدید همسو نیست.

آرمان شهر هوش مصنوعی

من به عنوان یک نویسنده، عموماً عمداً از هوش مصنوعی استفاده نمی‌کنم. با این وجود، در تحقیق برای این مقاله، نتوانستم از پرسیدن این سوال از مرور کلی هوش مصنوعی رایگان گوگل خودداری کنم: "چشم‌انداز آرمان‌شهری برای هوش مصنوعی چیست؟" این سوال کسری از ثانیه بعد برگشت:

چشم‌انداز آرمان‌شهری برای هوش مصنوعی، آینده‌ای را تصور می‌کند که در آن هوش مصنوعی به طور یکپارچه در زندگی انسان ادغام می‌شود و بهره‌وری، نوآوری و رفاه کلی را افزایش می‌دهد. این جهانی است که در آن هوش مصنوعی مشکلات پیچیده‌ای مانند تغییرات اقلیمی و بیماری را حل می‌کند و به بشریت کمک می‌کند تا به ارتفاعات جدیدی دست یابد.

جمله اول مرور کلی گوگل برای حذف افزونگی کلامی (چشم‌انداز، پیش‌بینی‌ها) نیاز به ویرایش دارد، اما هوش مصنوعی در کنار هم قرار دادن خلاصه‌ای مفید از رویاهای مروجین خود موفق است.

همین پیام به صورت مفصل‌تر در مقاله «چشم‌اندازهای آرمان‌شهر هوش مصنوعی» نوشته فیوچر سایت اکو به نمایش گذاشته شده است. او به ما اطلاع می‌دهد که هوش مصنوعی با ارائه منابع کارآمدتر و «به شیوه‌ای پویا و قادر به سازگاری فوری با اطلاعات و شرایط جدید»، اثرات نابرابری اقتصادی را کاهش خواهد داد. افزایش بهره‌وری همچنین با به حداقل رساندن نیازهای انرژی و انواع ضایعات، تأثیر بشریت بر محیط زیست را کاهش می‌دهد.

اما این تنها آغاز کار است. آموزش، خلاقیت، سلامت و طول عمر، ترجمه و درک فرهنگی، همراهی و مراقبت، حکومتداری و نمایندگی قانونی - همه توسط هوش مصنوعی متحول خواهند شد.

شواهد فراوانی وجود دارد که افراد ثروتمند این امیدها را برای هوش مصنوعی به اشتراک می‌گذارند. داغ‌ترین سهام‌وال استریت (به ویژه انویدیا) مربوط به هوش مصنوعی هستند، همانطور که بسیاری از شرکت‌هایی که به طور قابل توجهی به ایستگاه NPR که من در شمال کالیفرنیا به آن گوش می‌دهم، کمک می‌کنند، در راس ساعت حق

نامگذاری را به دست می‌آورند. سرمایه‌ها با چنان سرعتی در جهت کلی هوش مصنوعی (تقریباً ۳۰۰ میلیارد دلار فقط در ایالات متحده در سال جاری) در حال سرازیر شدن هستند که اگر پتانسیل تبلیغ‌شده‌ی آن حتی نیمی از آن باورپذیر باشد، باید مطمئن باشیم که اکثر مشکلات انسانی به زودی از بین خواهند رفت.

یا اینکه آیا این اتفاق خواهد افتاد؟

آخرالزمان هوش مصنوعی

به طرز عجیبی، وقتی در ابتدا از هوش مصنوعی گوگل پرسیدم: «چشم‌انداز آخرالزمان هوش مصنوعی چیست؟»، پاسخ آن این بود: «نمای کلی هوش مصنوعی برای این جستجو در دسترس نیست.» شاید سوالم را خوب بیان نکرده بودم. یا شاید هوش مصنوعی خصومت من را حس کرده بود. اشنای کامل: من رسماً درخواست ممنوعیت فوری هوش مصنوعی را مطرح کرده‌ام. (بعدها، نمای کلی هوش مصنوعی همکاری بیشتری نشان داد و خلاصه‌ای طولانی از «مضامین مشترک در چشم‌انداز آخرالزمان هوش مصنوعی» ارائه داد.) دلیل من برای پیشنهاد ممنوعیت هوش مصنوعی این است که هوش مصنوعی از طریق زبان و فناوری، قدرت بیشتری نسبت به آنچه که در حال حاضر داریم، به ما انسان‌ها می‌دهد. و اینکه، در مجموع، ما در حال حاضر قدرت بسیار زیادی در مقایسه با بقیه طبیعت داریم. ما از طریق استخراج منابع و دفع زباله، اکوسیستم‌ها را تا حدی تحت الشعاع قرار می‌دهیم که اگر روندهای فعلی ادامه یابد، طبیعت وحشی ممکن است تا پایان قرن ناپدید شود. علاوه بر این، قدرتمندترین انسان‌ها به طور فزاینده‌ای از نظر اقتصادی و نظامی بر همه چیز غلبه می‌کنند. اعمال هوشمندانه‌تر قدرتمان احتمالاً کمکی نخواهد کرد، زیرا ما همین الان هم برای خیر خودمان زیادی باهوش هستیم. آخرین کاری که باید انجام دهیم این است که زبان را از زیست‌شناسی جدا کنیم تا بتواند کاملاً در یک جهان فنی شبیه‌سازی شده وجود داشته باشد.

بیا بید دقیق‌تر باشیم. دقیقاً چه چیزی ممکن است به دلیل هوش مصنوعی اشتباه پیش برود؟ برای شروع، هوش مصنوعی می‌تواند برخی از چیزهای بد را - هم در طبیعت و هم در جامعه - بدتر کند.

همانطور که محدودیت‌هایی برای آرمان شهر سوخت فسیلی، آرمان شهر هسته‌ای و آرمان شهر سرمایه‌داری با رشد دائمی وجود دارد، محدودیت‌هایی برای آرمان شهر هوش مصنوعی نیز وجود دارد. به همین ترتیب، محدودیت‌ها ممکن است مانع از تبدیل شدن هوش مصنوعی به یک دروگر شوم قدرتمند شود.

بشریت از قبل به روش‌های زیادی سیستم‌های زیست محیطی سیاره‌ای را بی‌ثبات می‌کند. تغییرات اقلیمی روشی است که اغلب مورد بحث قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی از طریق تقاضای عظیم انرژی خود می‌تواند با تولید انتشار کربن بیشتر، تغییرات اقلیمی

را تسریع کند. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، «به دلیل استفاده از هوش مصنوعی، اقتصاد ایالات متحده قرار است در سال ۲۰۳۰ برای پردازش داده‌ها، برق بیشتری نسبت به تولید تمام کالاهای انرژی‌بر ترکیبی، از جمله آلومینیوم، فولاد، سیمان و مواد شیمیایی، مصرف کند.» جهان همچنین با کمبود آب رو به وخامت روبرو است؛ هوش مصنوعی به مقادیر زیادی آب نیاز دارد. طبیعت در حال حاضر از سرعت فزاینده استخراج و تخلیه منابع توسط بشر در حال آسیب دیدن است. هوش مصنوعی به میلیون‌ها تن مس، فولاد، سیمان و سایر مواد اولیه نیاز دارد و تأمین‌کنندگان، زمین‌های بومیان را برای معادن جدید هدف قرار می‌دهند.

ما در حال حاضر نیز مشکلات اجتماعی زیادی داریم که از جمله آنها می‌توان به بدتر شدن نابرابری اقتصادی اشاره کرد. هوش مصنوعی می‌تواند با جایگزینی کارگران کم‌مهارت با ماشین‌آلات، شکاف بین ثروتمندان و فقرا را افزایش دهد و در عین حال ثروت کسانی را که این فناوری را کنترل می‌کنند، به میزان زیادی افزایش دهد. بسیاری از مردم نگران این هستند که شرکت‌ها نفوذ سیاسی زیادی به دست آورده‌اند. هوش مصنوعی می‌تواند با ارزان‌تر و آسان‌تر کردن جمع‌آوری و پردازش حجم عظیمی از داده‌ها در مورد همه افراد و با تسهیل تثبیت انحصارات، این روند را تسریع کند. بیکاری همیشه یک مشکل در جوامع سرمایه‌داری است، اما هوش مصنوعی به سرعت میلیون‌ها کارمند یقه سفید را از لیست حقوق و دستمزد خود حذف می‌کند: داریو آمودی، مدیرعامل شرکت آنتروپیک، پیش‌بینی می‌کند که هوش مصنوعی می‌تواند نیمی از مشاغل یقه سفید سطح پایین را ظرف پنج سال از بین ببرد، در حالی که بیل گیتس پیش‌بینی می‌کند که تنها سه زمینه شغلی از هوش مصنوعی جان سالم به در خواهند برد - انرژی، زیست‌شناسی و برنامه‌نویسی سیستم

هوش مصنوعی

با این حال، وحشتناک‌ترین چشم‌اندازها برای هوش مصنوعی فراتر از بدتر کردن اوضاع بد است. عنوان یکی از قسمت‌های اخیر پادکست *The Bulwark*، «آیا سم آلتمن و هوش مصنوعی او همه ما را خواهند کشت؟»، بدترین سناریوی ممکن را به صراحت بیان می‌کند. اما هوش مصنوعی دقیقاً چگونه می‌تواند همه ما را بکشد؟ یک راه، خودکارسازی تصمیمات نظامی در عین ارزان‌تر و کشنده‌تر کردن سلاح‌ها است (عنوان یکی از تفسیرهای اخیر بروکینگز «چگونه هوش مصنوعی کنترل نشده می‌تواند جنگ هسته‌ای را آغاز کند» بود). برخی از فیلسوفان هوش مصنوعی با تغییر جهت به سمت علمی‌تخیلی پادآرمان‌شهری، معتقدند که این فناوری، زمانی که به طور قابل توجهی از انسان‌ها باهوش‌تر شود، ممکن است انسان‌های بیولوژیکی را به عنوان هدر دهندگان بی‌هدف منابعی ببیند که ماشین‌ها می‌توانند به طور کارآمدتری از آنها استفاده کنند. در آن مرحله، هوش مصنوعی می‌تواند مسیرهای متعددی را برای نابودی بشریت دنبال کند.

واقعیت هوش مصنوعی

من جزئیات چگونگی پیشرفت هوش مصنوعی در ماه‌ها و سال‌های آینده را نمی‌دانم. اما همین را می‌توان در مورد رهبران صنعت هوش مصنوعی گفت. آنها مطمئناً فناوری را بهتر از من درک می‌کنند، اما پیش‌بینی‌های هوش مصنوعی آنها ممکن است یک عامل حیاتی را از قلم بیندازد. می‌بینید، من در طول سال‌ها خودم را آموزش داده‌ام تا به دنبال محدودیت‌هایی در منابع، انرژی، مواد و سیستم‌های اجتماعی باشم. اکثر افرادی که در زمینه‌های مالی و فناوری کار می‌کنند، تمایل دارند محدودیت‌ها را نادیده بگیرند یا حتی باور کنند که هیچ محدودیتی وجود ندارد. این امر آنها را به سمت پوچی‌هایی مانند انتظار ایلان ماسک برای استعمار مریخ سوق می‌دهد. زمین محدود است، انسان‌ها برای همیشه در این سیاره محصور خواهند شد و بنابراین بسیاری از کارهایی که می‌توانیم تصور کنیم انجام دهیم، اتفاق نمی‌افتد. من معتقدم که بحث در مورد نویدها و خطرات هوش مصنوعی نیاز به آگاهی از محدودیت‌ها دارد.

آرویند نارایانان و سایش کاپور، در مقاله‌ای با عنوان "هوش مصنوعی فناوری عادی است"، بخشی از این آگاهی را ارائه می‌دهند. آنها استدلال می‌کنند که توسعه هوش مصنوعی با سرعت تغییرات سازمانی و نهادی انسانی و "محدودیت‌های سخت برای سرعت کسب دانش به دلیل هزینه‌های اجتماعی آزمایش" محدود خواهد شد. با این حال، نویسندگان این موضع را اتخاذ نمی‌کنند که به دلیل این محدودیت‌ها، هوش مصنوعی تنها تأثیرات جزئی بر جامعه خواهد داشت؛ آنها آن را به عنوان تقویت‌کننده‌ای از خطرات سیستمی می‌بینند.

علاوه بر محدودیت‌های اجتماعی که نارایانان و کاپور مورد بحث قرار می‌دهند، محدودیت‌های زیست‌محیطی نیز برای انرژی، آب و موادی که هوش مصنوعی به آنها نیاز دارد (همانطور که در بالا ذکر شد) وجود خواهد داشت، موضوعی که در یک کنفرانس اخیر مورد بررسی قرار گرفت.

به نظر می‌رسد هوش مصنوعی طیف جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدها را ارائه می‌دهد. اما، در اصل، بسیاری از آنچه قبل از هوش مصنوعی صادق بود، اکنون نیز صادق است.

در نهایت، یک محدودیت حیاتی برای توسعه هوش مصنوعی وجود دارد که ذاتی خود فناوری است. مدل‌های زبانی بزرگ به مقادیر زیادی از داده‌های با کیفیت بالا نیاز دارند. با این حال، با جایگزینی تعداد بیشتری از کارکنان اطلاعاتی با هوش مصنوعی یا شروع به استفاده از هوش مصنوعی برای کمک به تولید محتوا (هر دو روند در حال شتاب گرفتن هستند)، بیشتر داده‌های موجود برای هوش مصنوعی به جای تولید توسط محققان باتجربه‌ای که دائماً آن را در برابر دنیای واقعی بررسی می‌کنند، توسط هوش مصنوعی تولید می‌شوند. این بدان معناست که هوش مصنوعی می‌تواند در چرخه‌ای از کاهش کیفیت

اطلاعات گرفتار شود. افراد متخصص در فناوری این را "فروپاشی مدل هوش مصنوعی" می‌نامند و هیچ برنامه واقع‌بینانه‌ای برای متوقف کردن آن وجود ندارد. هوش مصنوعی خودش نمی‌تواند کمکی کند.

استیون جی. وان-نیکولز در مقاله خود با عنوان «برخی از نشانه‌های فروپاشی مدل هوش مصنوعی شروع به آشکار شدن می‌کنند» استدلال می‌کند که این اتفاق در حال رخ دادن است. موارد گزارش شده‌ی گسترده‌ای از تولید سهوی اسناد علمی جعلی توسط هوش مصنوعی وجود داشته است. شیکاگو سان-تایمز اخیراً بخش ویژه «بهترین‌های تابستان» را منتشر کرد که شامل رمان‌های در حال انتشاری بود که وجود ندارند. و گزارش «آمریکا را دوباره سالم کنیم» که توسط دولت ترامپ به طور گسترده تبلیغ می‌شد، شامل استنادهایی (که ظاهراً توسط هوش مصنوعی تولید شده‌اند) برای مطالعاتی بود که وجود خارجی نداشتند. اکثر ما انتظار داریم که فناوری‌های جدید دارای اشکالاتی باشند که مهندسان به تدریج آنها را حذف یا برطرف می‌کنند و در نتیجه عملکرد بهبود می‌یابد. با هوش مصنوعی، خطاها و مشکلات توهم ممکن است به طور فزاینده‌ای بدتر شوند.

هما‌نطور که محدودیت‌هایی برای آرمان شهر سوخت فسیلی، آرمان شهر هسته‌ای و آرمان شهر سرمایه‌داری با رشد دائمی وجود دارد، محدودیت‌هایی برای آرمان شهر هوش مصنوعی نیز وجود دارد. به همین ترتیب، محدودیت‌ها ممکن است مانع از تبدیل شدن هوش مصنوعی به یک فرشته‌ی مرگ قدرتمند شوند.

آینده‌ی واقعی هوش مصنوعی چه خواهد بود؟ در اینجا یک پیش‌بینی کلی ارائه شده است (جزئیات در حال حاضر به دلیل عدم ارتقاء سیستم عامل گوی بلورین من در دسترس نیست). طی چند سال آینده، شرکت‌ها و دولت‌ها به سرعت به سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی ادامه خواهند داد، که ناشی از توانایی آن در کاهش هزینه‌های نیروی کار است. ما به طور سیستماتیک به این فناوری وابسته خواهیم شد. هوش مصنوعی جامعه را تغییر شکل خواهد داد - اشتغال، زندگی روزمره، تولید دانش، آموزش و توزیع ثروت. سپس، با افزایش سرعت، هوش مصنوعی به یک صدای ناهنجار توهم‌زا و مبهم از صداها‌ی کوچکی که مزخرف می‌گویند، تبدیل خواهد شد. شرکت‌ها، مؤسسات و خانوارهای واقعی در نتیجه رنج خواهند برد. سپس، یا خواهیم فهمید که چگونه بدون هوش مصنوعی زندگی کنیم، یا آن را به وظایف و مجموعه داده‌های نسبتاً محدود خواهیم کرد. آمریکا اخیراً پیش‌درآمد کوچکی از این آینده را تجربه کرد، زمانی که DOGE به رهبری ماسک، ده‌ها هزار نفر از کارمندان فدرال را با این انتظار که بسیاری از آنها را با هوش مصنوعی جایگزین کند، اخراج کرد - بدون اینکه بداند آیا هوش مصنوعی می‌تواند وظایف آنها را انجام دهد یا خیر (ای‌وای: هزاران نفر دوباره استخدام می‌شوند).

اگر وقت خود را صرف خواندن اسنادی مانند "AI 2027" کنید، انتظار آینده‌ای آشفته و نه این و نه آن را نخواهید داشت، روایتی دقیق و گمانه زنی پنج نفر از افراد داخلی صنعت از آینده قریب‌الوقوع هوش مصنوعی که به خوانندگان اجازه می‌دهد پایان داستان را انتخاب کنند. گزینه الف، "کاهش سرعت"، به آینده‌ای منجر می‌شود که در آن هوش مصنوعی صرفاً یک یاور مطیع و فوق‌العاده شایسته است. در حالی که در گزینه ب، "نژاد"، بشریت توسط یک سلاح زیستی مستقر در هوش مصنوعی از بین می‌رود زیرا مردم زمین‌هایی را اشغال می‌کنند که می‌توانند برای مراکز داده بیشتر بهتر استفاده شوند. باز هم، کلیشه دوگانه و پایدار آرمان‌شهر یا آخرالزمان را می‌بینیم که در اینجا با جزئیات چشمگیر (هر چند گمراه‌کننده) ارائه شده است.

در ابتدای این مقاله، گفتمان آرمان‌شهر-آخرالزمان هوش مصنوعی را به یک تیک عصبی عمیق در ناخودآگاه جمعی انسان نسبت دادم. اما احتمالاً اینجا اتفاقات بیشتری در جریان است. کارن هائو، روزنامه‌نگار حوزه فناوری، در کتاب اخیر خود با عنوان «امپراتوری هوش مصنوعی»، دیدگاه‌های متضاد هوش مصنوعی را به تأسیس OpenAI توسط سم آلتمن و ایلان ماسک باز می‌گرداند. هر دو، به نوبت، رویا پرداز و بدشانس بودند. پیام همیشگی آنها: ما (یعنی آلتمن، ماسک و هم‌تایان شان) تنها کسانی هستیم که می‌توان به آنها برای هدایت فرآیند توسعه هوش مصنوعی، از جمله تنظیم آن، اعتماد کرد، زیرا ما تنها کسانی هستیم که این فناوری را درک می‌کنیم. هائو این نکته را مطرح می‌کند که پیام‌های مربوط به نوید و خطر هوش مصنوعی اغلب توسط افراد قدرتمندی ساخته و پرداخته می‌شوند که به دنبال تحکیم کنترل خود بر صنعت هوش مصنوعی هستند. آرمان‌شهر و آخرالزمان به طور برجسته‌ای در لفاظی‌های همه فرقه‌ها دیده می‌شوند. جای تعجب نیست، اما هنوز هم کمی افشاگرانه است که بشنویم هائو در یک مصاحبه پادکست نتیجه‌گیری می‌کند که هوش مصنوعی یک فرقه است (اگر ما نند یک فرقه راه برود، شارلاتان‌بازی کند و شنا کند...). و همه ما در حال غرق شدن در آن هستیم.

بنابراین، چگونه باید در مورد هوش مصنوعی به شیوه‌ای غیر فرقه‌ای فکر کنیم؟ گیوم تیری، استاد علوم اعصاب شناختی، در مقاله خود با عنوان «ما باید از تظاهر به هوشمند بودن هوش مصنوعی دست برداریم»، می‌نویسد: «ما باید از دادن ویژگی‌های انسانی به هوش مصنوعی دست برداریم.» ماشین‌ها، حتی آنهایی که ظاهراً هوشمند هستند، انسان نیستند - کاملاً رفتار با آنها مانند انسان، نتایج غیر انسانی را برای افراد واقعی و از گوشت و خون به همراه خواهد داشت.

فروپاشی تمدن توسط هوش مصنوعی ایجاد نخواهد شد. به این دلیل که زوال زیست‌محیطی-اجتماعی بدون هیچ کمکی از سوی LLMها در حال وقوع بود. هوش مصنوعی صرفاً یک عامل جدید در مواجهه بزرگتر بشریت با محدودیت‌ها اضافه می‌کند. در کوتاه‌مدت، این فناوری ثروت را بیشتر متمرکز خواهد کرد. کارن هائو می‌نویسد: «مانند امپراتوری‌های قدیمی، امپراتوری‌های جدید هوش مصنوعی در حال جمع‌آوری

ثروت‌های خارق‌العاده در فضا و زمان با هزینه گزاف برای دیگران هستند.» در از مدت، هوش مصنوعی منابع کمیاب را سریع‌تر تمام خواهد کرد.

اگر بعید است که هوش مصنوعی باعث نابودی شود، به همان اندازه بعید است که بهشت را روی زمین به ارمغان بیاورد. همین هفته پیش از دوست نویسنده‌ای شنیدم که از هوش مصنوعی برای بهبود پیشنهاد کتابش استفاده کرده بود. روز بعد، برای معاینه به پزشک مراجعه کردم و او از هوش مصنوعی برای بررسی علائم و نشانه‌های حیاتی من استفاده کرد. در نتیجه، ممکن است سلامت بهتری را تجربه کنم. در همان روز، یک مقاله تحقیقاتی تازه منتشر شده اپل را خواندم که نتیجه می‌گیرد LLMها نمی‌توانند به طور قابل اعتمادی استدلال کنند. واضح است که هوش مصنوعی می‌تواند مزایای ملموسی را در برخی از زمینه‌های فعالیت انسانی ارائه دهد. اما اگر فرض کنیم که هوش مصنوعی می‌تواند تفکر ما را برای ما انجام دهد، خودمان را گول می‌زنیم. اگر نتوانیم به تنهایی یک جامعه عادلانه و پایدار بسازیم، امید به اینکه ماشینی که نمی‌تواند درست فکر کند، این کار را برای ما انجام دهد، بی‌معنی است. من در حال حاضر در بازار کار نیستم و بنا بر این می‌توانم کنار بنشینم و در مورد هوش مصنوعی قضاوت کنم. برای بسیاری دیگر، بقای اقتصادی به پذیرش فناوری جدید بستگی دارد. یافتن یک روش زندگی شخصی با ابزارهای جدیدی که ممکن است عوارض جانبی خطرناک و مخربی بر جامعه داشته باشند، تا حدودی شبیه ترسیم یک مسیر روزانه عاقلانه و قابل بقا در ملتی است که تسلیم حکومت استبدادی شده است. همه ما می‌خواهیم از همدستی در نتایج وحشتناک اجتناب کنیم، در حالی که هیچ‌کس نمی‌خواهد هدف قرار گیرد یا از فرصت‌ها محروم شود. ارتباط دادن بلاغی هوش مصنوعی با قدرت دیکتاتوری منطقی است: یکی از محتمل‌ترین کاربردهای فناوری جدید، نظارت گسترده خواهد بود.

شاید بهترین توصیه برای افرادی که نگران هوش مصنوعی هستند، مشابه توصیه‌ای باشد که طرفداران دموکراسی به افرادی که نگران تخریب داریست اجتماعی-دولتی هستند که مدت‌هاست از آزادی‌ها و حقوق آمریکایی‌ها حمایت کرده است، می‌دهند: حلقه‌های نگرانی، نفوذ و کنترل خود را شناسایی کنید؛ منابع اطلاعاتی خود را بررسی کنید و به طور ملموس از کسانی که بیشترین دقت و شجاعت و کمترین تعصب را دارند، حمایت کنید؛ و پیوندهای اجتماعی با مردم واقعی ایجاد کنید. به نظر می‌رسد هوش مصنوعی طیف جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدها را ارائه می‌دهد. اما در اصل، بسیاری از آنچه قبل از هوش مصنوعی صادق بود، اکنون نیز صادق است. طمع و تمایل انسان برای کنترل بیشتر بر طبیعت و سایر افراد ممکن است به مسیرهایی برای سود کوتاه مدت منجر شود. اما اگر در نهایت زندگی خوبی می‌خواهید، یاد بگیرید که در چارچوب محدودیت‌ها خوب زندگی کنید. با صداقت، فروتنی و سخاوت زندگی کنید. هوش مصنوعی نمی‌تواند در این موارد به شما کمک کند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

ریچارد هاینبرگ

ریچارد هاینبرگ روزنامه‌نگار، مربی، ویراستار، مدرس، موسیقیدان و عضو هیئت علمی اصلی کالج جدید کالیفرنیا است، جایی که او برنامه‌ای با موضوع «فرهنگ، بوم‌شناسی و جامعه پایدار» تدریس می‌کند. او که به عنوان یکی از برجسته‌ترین مربیان اوج نفت در جهان شناخته می‌شود، نویسنده هفت کتاب از جمله جدیدترین آنها «حزب تمام شد: نفت، جنگ و سرنوشت جامعه صنعتی» (2003)، «کاهش قدرت: گزینه‌ها و اقدامات برای جهان پس از کربن» (2004) و «پروتکل تخلیه نفت: طرحی برای جلوگیری از جنگ‌های نفتی، تروریسم و فروپاشی اقتصادی» (2006) است. ماهنامه «MuseLetter» او در سال 1994 نامزد دریافت جایزه مطبوعات جایگزین شد و در فهرست سالانه بهترین خبرنامه‌های جایگزین Utne Reader قرار گرفت. مقالات و نوشته‌های او در بسیاری از مجلات و وب سایت‌ها منتشر شده است. او عضو موسسه پست کربن و عضو انجمن مطالعه اوج نفت است



ریچارد هاینبرگ

----- با تقدیم احترامات «2025-07-11»

.....

